

نسبت هویت قومی و ملی در جامعه چند قومیتی ایران: بررسی و مقایسه سه رهیافت نظری

مهدی امیر کافی*

ابراهیم حاجیانی**

چکیده

هویت‌های قومی و نسبت آن با هویت ملی یکی از مسائل اساسی در کشورهای چند قومیتی به شمار می‌آید. چگونگی رابطه و مناسبات میان این دو نوع هویت اجتماعی می‌تواند بر روی همبستگی و انسجام ملی در این کشورها تأثیر بگذارد. تحقیق حاضر با توجه به دغدغه‌ها و نگرانی‌های موجود در خصوص تنوع فرهنگی و قومی در جامعه ایران و پیامدهای ناشی از آن ضمن بهره‌گیری از تئوری هویت اجتماعی، تئوری فرهنگ‌پذیری و مدل‌های در هم‌بافتگی هویت اجتماعی و انسجام هویت‌های چندگانه، رابطه هویت قومی و ملی را مورد بررسی قرار می‌دهد. نتایج تحلیل ثانوی نشان می‌دهد که هر دو هویت قومی و ملی در میان اقوام ایرانی برجسته است. همچنین همبستگی میان احساس تعلق به قومیت و دل‌بستگی به ملیت در کل نمونه مثبت است، اما میزان رابطه و جهت آن در میان اقوام متفاوت می‌باشد. علاوه بر این نتایج تحقیق حاکی از آن است که شکل‌های مختلفی از تعیین هویت در میان اقوام ایرانی وجود دارد که وزن و اهمیت آنها یکسان نیست. در حالی که هویت انسجام‌یافته (ترکیبی) دارای بیشترین فراوانی است، موقعیت‌های هویتی همانندسازی و حاشیه‌ای موارد معدودی را تشکیل می‌دهند. نهایتاً اینکه گروه‌بندی پاسخگویان بر حسب هویت قومی و ملی به تفکیک اقوام ششگانه نشان می‌دهد که اگر چه هویت غالب در میان همه گروه‌های قومی هویت انسجام‌یافته است، با این همه سهم این نوع هویت در میان اقوام متفاوت می‌باشد.

واژگان کلیدی

هویت قومی، هویت ملی، هویت انسجامی، تئوری هویت اجتماعی، مدل درهم‌بافتگی هویت اجتماعی، مدل انسجام هویت‌های چندگانه

Email: mamirkafi@uk.ac.ir

Email: ehajiani@yahoo.com

تاریخ پذیرش: ۹۱/۰۶/۲۸

* عضو هیأت علمی دانشگاه شهید باهنر کرمان

** استادیار گروه جامعه‌شناسی و مدیریت دانشگاه امام باقر (ع)

تاریخ ارسال: ۹۱/۰۱/۲۱

فصلنامه راهبرد / سال بیست و دوم / شماره ۶۶ / بهار ۱۳۹۲ / صص ۱۴۶-۱۱۷

مقدمه

قومیت و ملیت از انواع هویت‌های اجتماعی هستند که چگونگی رابطه و مناسبات آنها با یکدیگر نقش مهم و مؤثری بر همبستگی و انسجام اجتماعی، وحدت و وفاق ملی و به تبع آن ثبات سیاسی و توسعه اقتصادی دارد (چلبی و یوسفی، ۱۳۸۰؛ فکوهی؛ ۱۳۸۹؛ حاجیانی ۱۳۸۸؛ ۱۳۸۷؛ احمدی، ۱۳۸۷؛ قاسمی، ۱۳۸۹؛ ابوالحسنی، ۱۳۸۸). علاوه بر این هویت‌یابی قومی (تکوین هویت قومی) و همگرایی آن با سایر هویت‌ها به ویژه هویت ملی می‌تواند بر روی تعریف و پنداشت از خود، عزت نفس و بهزیستی اعضای گروه‌های قومی تأثیر مثبت داشته باشد (Piney and Alipuria, 2006; Phinney and Devich-Navarro, 1997; Phinney and Others, 2001; Verkuyten, 2010; Weisskirch, 2005).

هویت‌یابی افراد در گروه‌ها (گروه‌های قومی و ملی) سرچشمه نیروی روانی، توازن و شکوفایی شخصیتی است (برتون، ۱۳۸۴). احساس هویت نه تنها منبع غرور و افتخار است، بلکه می‌تواند منبع قدرت و اعتماد نیز باشد (سن، ۱۳۸۸). هویت اجتماعی نه تنها ارتباط اجتماعی را امکان‌پذیر می‌سازد، بلکه به زندگی اجتماعی معنا می‌دهد (گل

محمدی، ۱۳۸۱). احساس هویت می‌تواند در قدرت و حرارت رابطه ما با دیگران (برای مثال هم‌وطنان یا کسانی که در قومیت با ما مشترک هستند) سهمی به سزا داشته باشد. تمرکز ما بر هویت ویژه می‌تواند پیوند ما را تقویت کند و به انجام کارهای بسیاری برای یکدیگر وا دارد و در نهایت می‌تواند ما را به فراسوی زندگی‌های فردمحور سوق دهد (سن، ۱۳۸۸، ص ۳۴).

در حالی که اهمیت و نقش همگرایی هویت قومی و هویت ملی در سطوح خرد و کلان و همچنین تأثیر آن بر توسعه پایدار در جوامع چند قومیتی بر کسی پوشیده نیست. امروزه بحث‌های زیادی درباره اهمیت یافتن دوباره قومیت‌ها، احیای ناسیونالیسم‌های محلی و شکل‌های محلی هویت فرهنگی مطرح است (گیدنز، ۱۳۸۷، هیوود ۱۳۸۹؛ کاستلز، ۱۳۸۰؛ هانتینگتون، ۱۳۸۴؛ فیتزپتریک، ۱۳۸۱). برخی رشد گروه‌های جدایی طلب و شکل‌های ناسیونالیسم قومی را در کشورهای اروپای غربی و امریکای شمالی (کبک کانادا، اسکاتلند و ولز در بریتانیا، کاتولونیا و ناحیه باسک در اسپانیا و ...) و همچنین در کشورهای جهان سوم (پاکسازی قومی در روندا و یوگسلاوی سابق و ...) به معنای پیشی گرفتن هویت‌های قومی، محلی

هویت ملی خود را قوی و مستحکم نگه دارد (فکوهی، ۱۳۸۹). از آنجا که ذات و خمیرمایه وحدت ملی وابسته به همگرایی و هم‌نوایی هویت‌های متعدد است، در مسئله تعلق و دلبستگی افراد عضو فرهنگ‌های محلی و قومی به فرهنگ قومی‌شان و نیز به فرهنگ و سرزمین ملی‌شان (ایران) می‌تواند نقطه مهم و قابل‌اعتنایی را برای بررسی و پژوهش‌های پیرامون انسجام ملی در ایران فراهم آورد (حاجیان، ۱۳۸۷).

بر این اساس سؤال اصلی در پژوهش حاضر این است که آیا هویت قومی در میان اقوام ایرانی یک هویت اجتماعی برجسته محسوب می‌شود؟ اگر پاسخ مثبت است، اهمیت و برجستگی هویت قومی چه تأثیری بر هویت ملی دارد؟ آیا با تقویت هویت قومی، احساس تعلق اقوام ایرانی به ملیت کاهش می‌یابد؟ به عبارت دیگر آیا هویت قومی و هویت ملی پدیده‌ای دو قطبی‌اند^۱ که هیچ‌گونه سازگاری و توافقی با هم ندارند؟ یا اینکه این دو نوع تعیین هویت را می‌توان به مثابه دو بعدی که تغییراتشان به طور مستقل صورت می‌گیرد، تصور نمود. برای این منظور، ابتدا به تعریف هویت قومی می‌پردازیم و همچنین بر اساس دیدگاه‌های نظری رابطه

و فرهنگی از هویت‌های گسترده‌تر ملی تفسیر می‌کنند. از جمله هانتینگتون (۱۳۸۴) معتقد است عواملی چون مدرنیزاسیون، توسعه اقتصادی، رشد شهرنشینی، پیشرفت وسایل ارتباطی و جهانی‌سازی موجب شده است تا مردم جوامع مدرن به تجدید نظر درباره هویت ملی خود بپردازند. دان (۱۳۸۵) نیز به شکل مشابهی بیان می‌کند که بر اثر آشوب‌ها و آشفتگی‌های ملازم با موج جدید جهانی‌شدن، هویت‌های مبتنی بر ملیت در معرض خطرها و تردیدهای جدی قرار گرفته‌اند.

۱- طرح مسئله

در شرایطی که مردم جوامع مختلف به طور فزاینده‌ای خودشان را در قالب گروه‌ها و اجتماعاتی تعریف می‌کنند که هم فروملی و هم فراملی هستند (میلر، ۱۳۸۳) و برای تعریف معنای هویت خویش بیش از گذشته به دنبال منابعی غیر از دولت و ملت می‌باشند (گیدنز، ۱۳۸۶)، طرح مسئله روابط و مناسبات هویت قومی و هویت ملی در کشور ما اهمیت و ضرورت خاصی پیدا می‌کند. به ویژه آنکه ایران به عنوان یک کشور چند قومی ناگزیر است با تکیه و کمک گرفتن از هویت‌های قومی و محلی، پایه‌های

آن را با هویت ملی تشریح می‌کنیم، سپس سنجش متغیرها را مورد بررسی قرار می‌دهیم و در پایان به تحلیل داده‌ها خواهیم پرداخت.

۲- هویت قومی

هویت قومی مفهومی (سازه‌ای) پیچیده و چند بعدی^۲ است. این سازه در تحقیقات اجتماعی به شیوه‌های مختلفی تعریف شده است (Ting – Toomey and Others, 2000). ماهیت بین رشته‌ای هویت قومی، مفهوم‌سازی آن را پیچیده‌تر و بغرنج‌تر ساخته است. اندیشمندان و محققان اجتماعی (روانشناسان، روانشناسان اجتماعی، جامعه‌شناسان و ...) بر اساس دیدگاه‌های نظری متفاوتی به بررسی آن پرداخته‌اند (Constant and Others, 2009; Dandy and Others, 2008; Phinney, 1990; 1992). تاجفل (۱۹۸۱) معتقد است هویت قومی بخشی از تعریف و پنداشت از خود^۳ است که از آگاهی و دانش افراد درباره عضویتشان در گروه یا گروه‌های اجتماعی ناشی می‌شود و با ملاحظات ارزشی و احساسی همراه است (Phinney, 1990, p.500). در حالی که برخی از

محققان «تعیین هویت خود»^۴ را جنبه کلیدی هویت قومی می‌دانند، برخی دیگر بر مؤلفه‌های احساس تعلق^۵ و تعهد^۶، ارزش‌ها و نگرش‌های مشترک^۷ یا گرایش نسبت به گروه قومی تأکید می‌کنند. در برابر محققانی که بر گرایش و احساسات تمرکز دارند، کسانی هستند که به جنبه‌های فرهنگی هویت قومی مانند زبان و آگاهی از تاریخ گروه قومی توجه دارند. نقش فعال فرد در توسعه هویت قومی مؤلفه دیگری است که توسط نویسندگان مختلفی پیشنهاد شده است، این گروه از نویسندگان هویت قومی را محصول پویایی می‌دانند که افراد آن را کسب می‌کنند، نه اینکه به سادگی به آنها داده می‌شود (Phinney, 1990, p.500).

ماهیت فرار روابط قومی و ابهام ذاتی مفهوم قومیت موجب گسترش انبوهی از دیدگاه‌های تحلیلی بسیار فریبنده، ولی گاه متناقض و گاه غیر قابل جمع گردیده است (مالشویچ، ۱۳۹۰). اکثر مطالعات هویت قومی در چند دهه اخیر بر پایه سه دیدگاه کلی انجام گرفته است: تئوری هویت اجتماعی^۸،

4. Self – Identification
5. Feeling of belonging
6. Commitment
7. Shared Values and Attitudes
8. Social identity theory

2. Complex, Multidimensional construct
3. Self – Concept

سومین جنبه از هویت قومی که در تحقیقات بسیاری مورد تأکید قرار گرفته است، شامل رفتارهایی است که با قومیت مرتبطاند، مانند آداب و رسوم، سنت‌ها و تعاملات اجتماعی (Roberts and Others, 1999, p.304). بررسی‌ها نشان می‌دهد که دو جنبه از اعمال قومی در اکثر گروه‌ها مشترک است: درگیری در فعالیتهای اجتماعی^{۱۷} با اعضای گروه قومی و مشارکت در سنت‌های فرهنگی^{۱۸} است (Phinney, 1992, p.159). اگرچه در ادبیات از جمله در: (Phinney, 1992). بحث‌چندانی در مورد ارتباط این مؤلفه‌ها با دیدگاه‌های نظری هویت قومی نشده است، اما می‌توان آن را به عنوان جنبه‌های فرهنگ‌پذیری در نظر گرفت (Roberts and Others: 1999). به اعتقاد تینگ - تومی^{۱۹} و همکاران (۲۰۰۰) آنچه از تئوری هویت اجتماعی (تاجفل و ترنر) و تئوری فرهنگ‌پذیری^{۲۰} (بری، ۱۹۹۷؛ بری و همکاران ۱۹۸۹) استنباط می‌شود، این است که هویت قومی سازه‌ای چند بعدی است که مؤلفه‌هایی مانند عضویت گروهی^{۲۱}، تصور از

فرهنگ‌پذیری^۹ و تضاد فرهنگی^{۱۰}، شکل‌گیری و تکوین هویت^{۱۱}.

تئوری هویت اجتماعی، یکی از دیدگاه‌های نظری اصلی است که اکثر سنجه‌های هویت قومی از آن استخراج می‌شود (Dandy et al, 2008). بر اساس تئوری هویت اجتماعی، برای سنجش هویت قومی، مؤلفه‌هایی نظیر نگرش‌های قومی^{۱۲} و احساس مثبت درباره قومیت، تأیید^{۱۳} و تصدیق، احساس تعلق^{۱۴} و دلبستگی^{۱۵} قومی، احساس غرور و افتخار^{۱۶} قومی و ... مناسب می‌باشند (Roberts et al, 1999, p.303).

دومین رهیافت برای مطالعه هویت قومی، تئوری تکوین هویت اریکسون است (Roberts et al, 1999; Worrell et al, 2006; Tammeveski, 2003). بر طبق این رهیافت، شکل‌گیری هویت از طریق فرایندهای کشف و تعهد رخ می‌دهد که عمدتاً در دوره نوجوانی اتفاق می‌افتد (اگرچه تغییرات بعدی در آن امکان‌پذیر است) و نهایتاً به تصمیم‌گیری و تعهد در حوزه‌های مهم هویتی می‌انجامد.

-
- 9. Acculturation
 - 10. Culture Conflict
 - 11. Identity Formation
 - 12. Ethnic Attitudes
 - 13. Affirmation
 - 14. Sense of Belonging
 - 15. Attachment
 - 16. Pride

-
- 17. Involvement in Social Activities
 - 18. Participation in Cultural tradition
 - 19. Ting. Toomey
 - 20. Acculturation theory
 - 21. Group membership

خود^{۲۲}، وابستگی قومی^{۲۳} و پیوستگی با فرهنگ وسیع تر^{۲۴} (فرهنگ ملی) و گرایشات نسبت به گروه خودی و گروه غیر خودی^{۲۵} را در بر می گیرد (Ting-Toomey and Others, 2000, p.49). به عبارت دقیق تر، هویت قومی مرکب از گرایش‌ها، احساسات و ادراکات از میزان و درجه وابستگی و احساس تعلق به گروه قومی و فرهنگ وسیع تر (فرهنگ ملی) مفهوم سازی می شود. همچنین هویت قومی شامل گرایش‌های مساعد و نامساعد نسبت به تعاملات گروه خودی / گروه غیر خودی است (Ting-Toomey and Others, 2000, p.49).

از سوی دیگر فینی (۱۹۹۲؛ ۱۹۹۰) بر اساس دیدگاه‌های نظری، چهار مضمون مشترک هویت قومی را که برای بررسی کلیه گروه‌های قومی مناسب است، مشخص می‌سازد: احساس تعلق (احساس مثبت نسبت به گروه قومی)، کسب هویت قومی^{۲۶} (جستجوی فعال برای دستیابی به آگاهی و دانش هویت قومی)، اعمال قومی^{۲۷} و مشارکت در فعالیت‌های قومی و جهت‌گیری نسبت به گروه‌های دیگر (گرایش‌ها و

احساسات نسبت به اعضای گروه‌های قومی دیگر).

اکنون با توجه به اهمیت مؤلفه گرایشی، هویت قومی را می‌توان به معنای احساس تعلق و دلبستگی به فرهنگ، ارزش‌ها و باورهای گروه قومی خاص تعریف نمود. هویت قومی بیانگر حس ارتباط و اتصال روان‌شناختی^{۲۸} با گروهی از افراد است که دارای تاریخ، تبار و سنت‌های و ... مشترکی هستند.

۳- بررسی رابطه هویت قومی و هویت ملی

به طور کلی رابطه هویت قومی با هویت ملی را می‌توان بر روی یک پیوستار تصور نمود که در یک سوی آن رابطه منفی و در سوی دیگر آن همبستگی مثبت است. به بیان دقیق تر رابطه هویت قومی و هویت ملی می‌تواند دامنه‌ای از رابطه منفی، عدم وجود رابطه تا رابطه مثبت را در بر گیرد (Gong, 2007; Citrin and Sears, 2009; Sidanius and Petrocik, 2001; Phinney and Devich-Navarro, 1997)

بررسی ادبیات نشان می‌دهد دیدگاه‌های مختلفی تلاش کرده‌اند نوع رابطه میان هویت

22. Self Image
23. Ethnic Affiliation
24. Larger Cultural Affiliation
25. Ingroup and intergroup Attitudes
26. Ethnic Identity Achievement
27. Ethnic Practices

28. Sense of Psychological connection

قومی و هویت ملی را توضیح دهند. برای مثال در حالی که مدل یک‌سویه فرهنگ‌پذیری (فام و هریس، ۲۰۰۱؛ پادیدا و پرز، ۲۰۰۳؛ بنت-مارتینز و هریتاتوس، ۲۰۰۵)، تئوری هویت اجتماعی و تئوری دسته‌بندی خود (تاجفل و ترنر، ۲۰۰۷؛ تاجفل، ۱۹۷۸)، رابطه هویت قومی را با هویت ملی، تعارض‌آمیز می‌دانند، مدل دوسویه فرهنگ‌پذیری (بری، ۱۹۹۷)، مدل در هم‌بافتگی هویت اجتماعی (برور، ۲۰۱۰؛ روکاس و برور، ۲۰۰۲؛ برور و روکاس، ۲۰۰۱) و مدل انسجام هویت‌های چندگانه (آمیوت و سابلونیر، ۲۰۱۰) ضمن به چالش کشیدن دیدگاه‌های سنتی، قائل به وجود تعلق‌ها و هویت‌های چندگانه و ترکیبی در سطح فرد و جامعه هستند.

۴- مسئله راهبردی در ایران : سازگاری یا ناسازگاری میان هویت قومی و ملی

۴-۱- نظریه های ناسازگاری

چنان که اشاره شد، مدل یک‌سویه فرهنگ‌پذیری، تئوری هویت اجتماعی و تئوری دسته‌بندی خود سرخ‌های مهمی در مورد رابطه منفی میان هویت قومی و هویت ملی در اختیار ما می‌گذارند.

بر طبق مدل یک‌سویه، فرهنگ‌پذیری فرایندی خطی^{۳۱} است (Benet-Martinez and Haritatos, 2005). فرض مبنایی مدل یک‌سویه آن است که افراد در حال فرهنگ‌پذیری در طول زمان ارزش‌ها، آداب و

فرهنگ و هویت ملی را توضیح دهند. برای مثال در حالی که مدل یک‌سویه فرهنگ‌پذیری (فام و هریس، ۲۰۰۱؛ پادیدا و پرز، ۲۰۰۳؛ بنت-مارتینز و هریتاتوس، ۲۰۰۵)، تئوری هویت اجتماعی و تئوری دسته‌بندی خود (تاجفل و ترنر، ۲۰۰۷؛ تاجفل، ۱۹۷۸)، رابطه هویت قومی را با هویت ملی، تعارض‌آمیز می‌دانند، مدل دوسویه فرهنگ‌پذیری (بری، ۱۹۹۷)، مدل در هم‌بافتگی هویت اجتماعی (برور، ۲۰۱۰؛ روکاس و برور، ۲۰۰۲؛ برور و روکاس، ۲۰۰۱) و مدل انسجام هویت‌های چندگانه (آمیوت و سابلونیر، ۲۰۱۰) ضمن به چالش کشیدن دیدگاه‌های سنتی، قائل به وجود تعلق‌ها و هویت‌های چندگانه و ترکیبی در سطح فرد و جامعه هستند.

در این بخش به اختصار با تشریح این دیدگاه‌ها، اختلاف نظرهای آنها پیرامون رابطه هویت قومی و هویت ملی را بررسی می‌کنیم. اما قبل از آن، ذکر این نکته لازم است که در گفتمان رایج در میان محققان این حوزه، رابطه هویت قومی و هویت ملی در قالب اصطلاحاتی مانند گروه قومی و گروه اکثریت^{۲۹} (Verkuyten, 2005)، گروه قومی و فرهنگ وسیع‌تر^{۳۰} (Ting - Toomey and)

31. Identification with the Majority
32. Identification with the Larger society
33. Orientation to the Larger Society
34. Linear Process

29. Majority Group
30. Larger Culture

رسوم و سنت‌های فرهنگی جامعه میزبان را اقتباس می‌کنند. (Pham and Harris, 2001, p.280) دیدگاه‌های سنتی فرهنگ‌پذیری تصریح می‌کنند که فرهنگ‌پذیری به معنای همگون شدن است، یعنی رد فرهنگ قومی و پذیرش فرهنگ مسلط. به عبارت دیگر، فرهنگ‌پذیری اساساً به عنوان فرایند یک‌بعدی^{۳۵} یک‌جهتی^{۳۶} و غیر قابل برگشت مفهوم‌سازی می‌شود. در این فرایند حرکت به سمت فرهنگ مسلط و کنار گذاشتن فرهنگ قومی است (Padilla and Peres, 2003; Nguyen and Benet- Martines, 2010). به عبارت دیگر هویت قومی قوی در میان کسانی که در جامع وسیع‌تر (و در فرهنگ ملی) جذب می‌شوند، امکان‌پذیر نیست و فرهنگ‌پذیری به طور اجتناب‌ناپذیری با تضعیف هویت قومی همراه است (Phinney and Devich-Navarro, 1997; Phinney et al, 2001). همچنین تئوری هویت اجتماعی آشکارا بر مسئله‌ساز بودن مشارکت افراد در دو فرهنگ تأکید می‌کند. تاجفل (۱۹۸۷) معتقد است که تعیین هویت (هم‌ذات‌پنداری) با دو فرهنگ مختلف می‌تواند مسائلی را برای تکوین هویت اعضای گروه قومی ایجاد کند. این امر ناشی از تضاد

در نگرش‌ها، ارزش‌ها و رفتارهای اعضای گروه قومی با جامعه وسیع‌تر است (Phinney, 1990, p.501). بیشتر تحقیقات مربوط به روابط بین گروهی در حوزه روان‌شناسی اجتماعی تحت تأثیر قدرت تمایزات دسته اجتماعی^{۳۷} قرار دارد که تفکر و اندیشه ما، آنها^{۳۸} را ایجاد و تقویت می‌کند و با جانبداری از گروه خودی^{۳۹} تبعیض بین گروهی^{۴۰} و خصومت ملازم است (Brewer, 2010, p.11).

تردیدی وجود ندارد که دسته‌بندی اجتماعی^{۴۱} به ویژه به دلیل اینکه با اشکال افراطی رفتار بین گروهی^{۴۲} و تضاد اجتماعی رابطه دارد، حائز اهمیت است. به خصوص این دیدگاه در جوامعی که در راستای دسته‌بندی اولیه و یگانه‌ای^{۴۳} مانند قومیت (برای مثال روندا) شدیداً تفکیک یافته‌اند، اهمیت بیشتری می‌یابد (Hewstone et al, 2006, p.271). برور (۲۰۰۱) یک رابطه قوی بین جانبداری بی‌رویه از گروه خودی و دشمنی بیش از حد با گروه غیر خودی، به ویژه اگر دسته‌بندی دو وجهی^{۴۴} باشد، پیش‌بینی

37. Social Category Distinctions
38. US – Them Thinking
39. InGroup Bias
40. InterGroup Discrimination
41. Social Categorization
42. Intergroup behavior
43. Single Primary Categorization
44. Dichotomous

35. Unidimensional
36. One Directional

بر طبق این مدل، تعیین هویت قومی الزاماً یک امر یگانه و منفرد^{۴۸} نیست، بلکه ممکن است هویت‌های چندگانه‌ای شکل گیرد که درجات مختلفی از هم‌ذات‌پنداری با هر دو گروه قومی و گروه اکثریت را به طور همزمان در برگیرد (Verkuyten, 2005, p.158). رامیرز (۱۹۸۴) و گلر و همکاران (۱۹۹۱) معتقدند همیشه این امکان وجود دارد که اعضای گروه‌های قومی، رفتارها و فعالیت‌های اجتماعی را که در دو فرهنگ مستقل انجام می‌شود، درک کنند و در آن مشارکت نمایند. به عبارت دیگر درک فرهنگ قومی و فرهنگ جامعه وسیع‌تر، بدون آنکه حتی افراد تضادی را تجربه کنند یا حس هویت فرهنگی‌شان^{۴۹} را از دست بدهند، عملی و امکان‌پذیر است (Fham and Harris, 2001, p.281). بری (۱۹۹۷) با استفاده از رهیافت دوسویه^{۵۰} درجه انطباق افراد را با فرهنگ جامعه میزبان و همچنین حفظ فرهنگ قومی‌شان را به طور مستقل، مورد بررسی قرار داده است. به اعتقاد او (۱۹۹۷) در همه جوامع متکثر^{۵۱}، گروه‌های فرهنگی و اعضای آنها چه در موقعیت‌های مسلط باشند، چه نباشند، با این مسئله مواجه‌اند که چگونه

می‌کند. با وجود این، باید به خاطر داشت که این وضعیت در مورد جوامع پیچیده و ناهمگون متفاوت است. جوامعی که در راستای ابعاد چندگانه^{۴۵} و بر اساس دسته‌بندی‌های متقاطع، تفکیک یافته‌اند، امکان و ظرفیت تضاد بین گروهی کاهش می‌یابد (Hewstone et al, 2006, p.272).

۲-۴- نظریه‌های سازگاری و در هم آمیختگی هویت قومی و ملی

در بخش گذشته به نظریاتی اشاره شد که همگی قائل به نوعی تضاد، تعارض و ناهمخوانی میان هویت قومی و هویت ملی بودند. در این بخش به طرح مدل دوسویه فرهنگ‌پذیری، مدل در هم یافتگی هویت اجتماعی و مدل انسجام هویت‌های چندگانه می‌پردازیم که یا به بسط دیدگاه‌های پیشین پرداخته‌اند یا مستقیماً آنها را به چالش طلبیده‌اند.

۱-۲-۴- مدل دوسویه فرهنگ‌پذیری^{۴۶}

مدل دوسویه فرهنگ‌پذیری با انتقاد از طرح دو وجهی^{۴۷} تعیین هویت (همذات‌پنداری) قومی مبنای نظری و مفهومی مناسبی برای هویت ترکیبی فراهم می‌سازد.

48. Singular
49. Sense of Cultural Identity
50. Bidirectional Approach
51. Plural Societies

45. Multiple Dimensions
46. Bidirectional Model of Acculturation
47. Dichotomous Scheme

فرایند فرهنگ‌پذیری را دنبال کنند. معمولاً استراتژی‌های (راهبردهای) فرهنگ‌پذیری با توجه به دو موضوع توسط گروه‌ها و افراد در مواجهه روزانه‌شان با یکدیگر طراحی می‌شود. این موضوعات عبارت‌اند از:

۱. حفظ فرهنگی^{۵۲} (تا چه حد، هویت قومی و خصایص فرهنگی اهمیت دارد و تلاش جهت حفظ آنها لازم است؟ ۲. تماس و مشارکت^{۵۳} (تا چه میزان باید در گروه‌های فرهنگی دیگر درگیر شد؟ (Berry, 1997, p.9)

فرهنگ مشارکت دارند و با آن هم‌ذات‌پنداری می‌کنند، از این رو می‌توان آنها را دو فرهنگی^{۶۰} نامید. در استراتژی همگون‌سازی تعیین هویت عمدتاً با جامعه وسیع‌تر صورت می‌گیرد. در استراتژی جدایی تعیین هویت یا هم‌ذات‌پنداری عمدتاً با گروه قومی است و نهایتاً در استراتژی در حاشیه ماندن افراد نه با گروه قومی احساس یگانگی می‌کنند و نه با جامعه وسیع‌تر هم‌ذات‌پنداری دارند.

۴-۲-۲- تنوری در هم‌بافتگی هویت اجتماعی^{۶۱}

برور و روکاس (۲۰۰۱) مفهوم درهم‌بافتگی هویت اجتماعی را برای بیان همزیستی این عضویت‌های گروهی چندگانه^{۶۲} و همچنین حل و فصل تنش‌هایی که ممکن است از این شرایط ناشی شود، مطرح ساختند (Citrin and Sears, 2009, p.150). اندیشه‌ای که در پشت سازه درهم‌بافتگی هویت اجتماعی قرار دارد، این است که نه تنها تعداد گروه‌های اجتماعی که فرد خود را با آنها باز می‌شناسد، مهم است. بلکه آنچه اهمیت بیشتری می‌یابد، این است که تا چه حد این هویت‌های مختلف به شکل ذهنی با هم ترکیب می‌شود تا بدین وسیله

هنگامی که این دو مسئله و سؤال اساسی و بنیادی به طور همزمان در نظر گرفته شود، یک چارچوب مفهومی^{۵۴} ایجاد می‌گردد که چهار استراتژی فرهنگ‌پذیری را مطرح می‌سازد: انسجام^{۵۵}، همگون‌سازی^{۵۶}، جدایی^{۵۷} و در حاشیه ماندن^{۵۸}. اولین استراتژی که بری آن را انسجام می‌نامد، هنگامی رخ می‌دهد که تعیین هویت و هم‌ذات‌پنداری با هر دو گروه (قومی و با جامعه وسیع‌تر) صورت گیرد. افراد انسجام‌یافته^{۵۹} کسانی هستند که در دو

-
52. Cultural Maintenance
 53. Contact and Participation
 54. Conceptual Framework
 55. Integration
 56. Assimilation
 57. Separation
 58. Marginalization
 59. Integrated Individuals

-
60. Bicultural
 61. Social Identity Complexity theory
 62. Multiple group memberships

تقاطع و پیوند^{۷۱}: در این شیوه فرد می‌تواند شناخت همزمانی از بیش از یک هویت اجتماعی کسب کند و در عین حال بیان و بازنمود گروه خودی یگانه‌ای^{۷۲} را حفظ نماید. در این الگو گروه خودی به عنوان تقاطع یا پیوند عضویت‌های گروهی چندگانه تعریف می‌شود. در یک جامعه چند قومی، این شیوه مستلزم شکل‌گیری «هویت دو فرهنگی در هم آمیخته»^{۷۳} است. بر این اساس گروه خودی فرد شامل کسانی است که در هر دو میراث قومی و فرهنگ ملی سهمیه هستند.

ادغام و به هم پیوستن^{۷۴}: آخرین الگو شامل تشخیص تفاوت‌ها در میان هویت‌های اجتماعی مختلف است. اما همه این هویت‌ها در درون یک هویت فراگیرتر^{۷۵} انسجام می‌یابد. در این مرحله عضویت‌های گروهی متقاطع (پیوندی)^{۷۶} به طور همزمان تشخیص داده می‌شود و در فراگیرترین شکل خود مورد پذیرش قرار می‌گیرند. در مرحله، انسجام گروه خودی، حاصل جمع هویت‌های گروهی ترکیب‌یافته فرد است.

دایره شمول کلی^{۶۳} عضویت‌های گروه خودی فرد^{۶۴} را تعیین نماید (Brewer, 2010, p.15). برور و روکاس (۲۰۰۱) چهار الگوی مختلف را مشخص می‌سازند که در آنها دو یا چند عضویت گروهی متقاطع^{۶۵} با هم ترکیب می‌شوند و گروه خودی حاصل از آن را برای فرد تعریف می‌کنند.

تسلط^{۶۶}: در این الگو یک هویت اجتماعی پذیرفته می‌شود و کلیه هویت‌ها تابع این هویت مسلط قرار دارند (Brewer, 2010, p.15). به بیان دیگر تسلط، استراتژی وابسته کردن کلیه هویت‌های گروهی بالقوه به یک دلبستگی اولیه و اصلی^{۶۷} است (Citrin and Sears, 2009, p.150).

بخش‌بندی کردن^{۶۸}: در این الگو بیش از یک هویت گروهی برای تعریف و «پنداشت از خود» فرد اهمیت دارد. اما این هویت‌ها به‌شدت وابسته به بافت و زمینه^{۶۹} هستند. در بخش‌بندی، گروه‌های هویتی مختلف^{۷۰} ترکیب نمی‌شوند، بلکه از یکدیگر جدا و منزوی باقی می‌مانند.

-
- 63. Overall Inclusiveness
 - 64. Individual's inGroup Membership
 - 65. Crosscutting Group Memberships
 - 66. Dominance
 - 67. Primary Attachment
 - 68. Compartmentalization
 - 69. Context – Dependent
 - 70. Different identity groups

-
- 71. Intersection
 - 72. Single inGroup Representation
 - 73. Blended Bicultural Identity
 - 74. Merger
 - 75. More Inclusive Identity
 - 76. Crosscutting Group Memberships

۴-۲-۳- مدل انسجام هویت‌های چندگانه^{۷۷}

آمیوت و سابلونیر (۲۰۱۰) بر اساس این اندیشه که تنوع اجتماعی و فرهنگی می‌تواند تأثیر قابل توجهی بر تفسیر از خود^{۷۸} داشته باشد، به طرح مدل توسعه و تکوین هویت اجتماعی^{۷۹} می‌پردازند. مدل آنها بر این نکته تمرکز دارد که چگونه هویت‌های اجتماعی چندگانه در قالب «پنداشت از خود» سامان می‌یابد. مدل انسجام هویت‌های چندگانه ارتباط و اتصالات مفهومی^{۸۰} بین تئوری‌های روانشناسی اجتماعی (تئوری هویت اجتماعی، تئوری دسته‌بندی خود) و اصول رشد^{۸۱} ترسیم می‌کند و در این رهگذر به طرح عواملی می‌پردازد که انسجام هویت را تسهیل می‌کند. بر طبق نظریه آمیوت و سابلونیر (۲۰۱۰) فرایند انسجام هویت‌های اجتماعی چندگانه شامل چهار مرحله است:

مرحله دسته‌بندی انتظاری^{۸۲}: در این مرحله فرد درباره پیوستن به گروه‌های اجتماعی برنامه‌ریزی می‌کند.

دسته‌بندی^{۸۳}: دومین مرحله توسعه هویت اجتماعی و انسجام، به دسته‌بندی اشاره دارد. در این مرحله هویت‌های متمایز تشخیص داده می‌شود و تفاوت‌ها (از حیث ارزش‌ها و هنجار) در میان هویت‌های اجتماعی به‌شدت برجسته می‌گردد. در ادبیات فرهنگ‌پذیری، این پدیده به برخورد فرهنگی^{۸۴} شباهت دارد؛ وضعیتی که افراد احساس می‌کنند، در بین فرهنگ‌ها با مجموعه‌ای از خواسته‌های متفاوت تحت فشار قرار گرفته‌اند. به دلیل اینکه در این مرحله فرایند تفکیک فعال است، امکان اینکه فرد خود را بخشی از گروه‌های فرهنگی مختلف در نظر گیرد، وجود ندارد. علاوه بر این نمی‌تواند شباهت و اتصالات شناختی^{۸۵} بین این گروه‌ها را نماید.

مرحله بخش‌بندی کردن^{۸۶}: در مرحله بخش‌بندی، هویت‌های اجتماعی متفاوت به شکل فزاینده‌ای به بخشی از «خود» تبدیل می‌شوند. این فرایند با گذشت زمان و با ارتباط با سایر گروه‌ها و با کسب تجارب در میدان تعاملی صورت می‌گیرد.

77. Model of Multiple Identity Integration

78. Self. Construal

79. Social Identity Development

80. Conceptual Links

81. Developmental Principles

82. Anticipatory Categorization Stage

83. Categorization

84. Culture Clash

85. Cognitive Links

86. Compartmentalization Stage

هویت‌ها انسجام‌یافته و یکپارچه هستند، حتی اگر یک هویت در یک بافت خاص برجسته‌تر گردد، هویت‌های دیگر به شکل کامل محو نمی‌گردند. چنان‌که ملاحظه می‌شود، مرحله نهایی در مدل انسجام هویت‌های چندگانه با مرحله تقاطع و پیوند در مدل درهم‌بافتگی هویت اجتماعی قابل مقایسه است. از سوی دیگر مراحل انسجام و تقاطع هویت‌های چندگانه در دیدگاه‌های مذکور با هویت انسجامی در مدل دوسویه فرهنگ‌پذیری همخوانی دارد. همگی آنها امکان شکل‌گیری هویت ترکیبی را در جوامع مدرن امکان‌پذیر می‌دانند. تقریباً در تمام دیدگاه‌ها مربوط به هویت ترکیبی، همپوشی داشتن عضویت‌های گروهی^{۹۳} به عنوان موضوع محوری مطرح شده است. این امر تا حدودی معلول آن است که در جوامع پیچیده، ناهمگون و متکثر امروزی، افراد تنها بر اساس یک تمایز یگانه گروه خودی و گروه غیر خودی یا «ما - آنها» دسته‌بندی نمی‌شوند. فصل مشترک همه دیدگاه‌ها توجه به اشکال دسته‌بندی چندگانه و پیچیده در مقابل دسته‌بندی ساده است.

مرحله انسجام^{۸۷}: مرحله نهایی از این جهت اهمیت دارد که تضادهای احتمالی میان هویت‌ها تشخیص داده می‌شود و اقدام جهت حل آنها صورت می‌گیرد. احساس یگانگی و تداوم و پایداری در میان موقعیت‌های مختلف از ویژگی‌های مرحله انسجام است. در واقع می‌توان گفت که تمایز مهم میان مرحله بخش‌بندی و انسجام در احساس ذهنی و درونی^{۸۸}، تداوم^{۸۹}، ثبات^{۹۰} و صحت و اعتبار^{۹۱} نهفته است که در طول زمان و در میان زمینه‌های مختلف زندگی احساس می‌شود. این احساس ثبات و تداوم در مرحله انسجام بیش از هر مرحله دیگری است.

ویژگی مهمی که مرحله بخش‌بندی را از مرحله انسجام متمایز می‌سازد، تعیین هویت (هم‌ذات‌پنداری) همزمان^{۹۲} است. هنگامی که هویت‌ها بخش‌بندی شده هستند، اگر یک هویت خاص برجسته گردد، به تبع آن سایر هویت‌ها به شکل معنی‌داری اهمیت خود را از دست می‌دهند و دیگر نقشی ایفا نمی‌کنند. در مقابل هنگامی که

87. Integration
88. Subjective Feeling
89. Continuity
90. Consistency
91. Authenticity
92. Simultaneous Identification

93. Overlapping Group Memberships

در جوامع بزرگ (پرجمعیت) و پیچیده امروزی، اشخاص در راستای بسیاری از ابعاد اجتماعی با معنا از جمله قومیت، ملیت، دین، جنس، شغل، ترجیحات تفریحی و ... تفکیک می‌شوند. هر یک از این تقسیمات مبنایی

برای هویت مشترک^{۹۴} و عضویت گروهی^{۹۵} فراهم می‌سازند که می‌تواند به منابع مهمی برای تعیین هویت اجتماعی^{۹۶} تبدیل شوند. علاوه بر این، اکثر این تفکیک‌ها و تقسیمات، متقاطع هستند؛ به این معنا که افراد ممکن است بر مبنای یک بعد، عضو مشترک یک گروه خودی^{۹۷} باشند، اما بر اساس بعد دیگر به دسته‌ها یا مقوله‌های مختلف تعلق داشته باشند. از این رو وجود عضویت‌های گروهی چندگانه^{۹۸} از این ظرفیت برخوردار است که از احتمال تقلیل جهان اجتماعی افراد به یک تمایز گروه خودی - غیر خودی یگانه جلوگیری کند و از سوی دیگر نوعی همگرایی در میان هویت‌های چندگانه ایجاد نماید.

مدل‌های دسته‌بندی متقاطع^{۹۹}، و هویت دوگانه^{۱۰۰} در این مورد اشتراک نظر دارند که

شیوه‌های مختلفی از ارتباط و پیوند میان گروه‌های قومی با سایر گروه‌ها و جامعه وسیع‌تر وجود دارد. همگی امکان ترکیب دو فرهنگ قومی و ملی و به تبع آن ترکیب هویت قومی و هویت ملی را تصریح می‌کنند.

۵- مبانی نظری

بر پایه مفهوم هویت انسجام‌یافته در مدل دوسویه فرهنگ‌پذیری، تئوری درهم‌بافتگی هویت اجتماعی و مدل انسجام هویت‌های چندگانه می‌توان این فرض را مطرح نمود که هویت قومی و ملی در میان اقوام ایرانی از هویت‌های اجتماعی برجسته محسوب می‌شوند. مهم‌تر آنکه به لحاظ همزیستی و همنشینی تاریخی و طولانی‌مدت، میان این دو نوع هویت اجتماعی تعارض و ناسازگاری وجود ندارد. این دو منبع هویت در طول تاریخ این سرزمین به صورت توأم ایجاد شده‌اند. از این رو همزیستی و تعامل طولانی آنها، مرزهای جدیدی را شکل داده که حدود و ثغور گروه‌های اولیه و اصلی را قطع نموده و تعریف دوباره‌ای از عضویت گروهی و هویت مشترک پدید آورده است.

-
94. Shared Identity
95. Group Membership
96. Social Identification
97. Common In Group Membership
98. Multiple Group Memberships
99. Crossed Categorization
100. Dual Identity

داده‌های اصلی در آن تحقیق را مورد بررسی مجدد قرار داده‌اند. در پژوهش مذکور، جمعیت تحقیق شامل افراد ۱۸ تا ۶۵ سال خانواده‌های معمولی ساکن در شهرهای زاهدان، گنبد کاووس، بندر ترکمن، خرم‌آباد، سنندج، ارومیه، اهواز و تبریز بوده‌اند. متأسفانه به دلیل فقدان داده‌های جمعیتی در باره جمعیت اقوام ایرانی و نیز ترکیب متنوع جمعیت قومی، امکان ارائه برآورد روشنی در باره حجم جامعه آماری اقوام حتی در شهرهای فوق وجود ندارد. لذا حجم جامعه آماری بر اساس داده‌های مرکز آمار ایران (در سرشماری ۱۳۸۵) محاسبه شد. روش نمونه‌گیری پژوهش از نوع چند مرحله‌ای بوده است. حجم نمونه اقوام مشتمل بر کردها ۱۲۴ (۱۴/۷ درصد)، لرها ۷۵ (۹ درصد)، بلوچ‌ها ۶۸ (۸ درصد)، آذری ۴۲۴ (۵۰/۴ درصد)، ترکمن ۵۱ (۶ درصد) و عرب‌ها ۹۸ (۱۱/۵ درصد) نفر است. با توجه به محدودیت‌های اجرایی و با عنایت به ضرورت انجام تحلیل‌های آماری و در نظر گرفتن حداقل نمونه، حجم کل نمونه معادل ۸۴۰ نفر بوده است.

در تحقیق اولیه هویت قومی و ملی در سه بعد فرهنگی، اجتماعی و سیاسی با بیش

بر طبق رهیافت دسته‌بندی متقاطع (پیوندی)^{۱۰۱} با ایجاد و گسترش مرزهای جدید، مرزهای گروهی آرایش تازه‌ای یافته‌اند که در آن اعضای گروه‌های قومی مجبور نیستند هویت‌های اولیه‌شان را کنار بگذارند، بلکه آنها دارای هویت‌های چندگانه‌ای می‌باشند که با انواع مختلف دسته‌بندی‌های اجتماعی از جمله ملیت مرتبط است. از سوی دیگر هویت انسجام‌یافته امکان تعیین هویت قومی و ملی را به‌طور همزمان فراهم می‌سازد؛ به‌گونه‌ای که هر دو می‌توانند از هویت‌های اجتماعی برجسته باشند. لذا بر پایه استدلال‌های نظری امکان طرح این فرضیه مشخص وجود دارد که رابطه میان هویت قومی و ملی به ویژه از بُعد گرایشی و فرهنگی (و نه سیاسی) از نوع همبستگی مثبت و هم‌افزایانه است و این دو هویت به مثابه دو مرکز یا منبع هویت‌بخش در حالت متعادل و سازگار با یکدیگر قرار دارند.

۶- ملاحظات روش شناختی

تحقیق حاضر از نوع تحلیل ثانویه است که داده‌های آن از طریق پیمایش ملی در سال ۱۳۸۷ در مناطق قومی کشور و با ابزار پرسشنامه جمع‌آوری است. محققین،

101. Corssed Categorization Approach

از چهل گویه مورد سنجش قرار گرفته‌اند. در تحلیل ثانوی با تأکید بر سنجه هویت قومی چند گروهی (MEIM)^{۱۰۲}، هفت گویه برای سنجش هویت قومی انتخاب شده است. در آنجا سنجه هویت قومی چندگروهی شامل سه مؤلفه گرایشی^{۱۰۳} (احساس تعلق)، شناختی^{۱۰۴} (کسب هویت قومی) و رفتاری^{۱۰۵} است. این سنجه مرکب از ۱۴ گویه است که برای مؤلفه‌های گرایشی، شناختی و رفتاری به ترتیب ۵، ۷ و ۲ گویه طراحی شده است. اما از میان مؤلفه‌های مذکور، در تحقیق حاضر بر بعد گرایشی تأکید شده است. این بعد، احساس مثبت نسبت به قومیت، احساس تعلق و دلبستگی و همچنین احساس غرور و افتخار قومی را در بر می‌گیرد. بسیاری از محققان بعد گرایشی را جنبه کلیدی و محوری سنجه هویت قومی چند گروهی می‌دانند که برای سنجش هویت قومی همه گروه‌ها در کشورهای مختلف جهان مناسب است. بر این اساس از بین هفت گویه برگزیده‌شده برای سنجش هویت‌های ملی و قومی، پنج گویه آن مربوط به بعد گرایشی است، یک گویه مربوط به

کسب هویت است و در نهایت یک گویه نیز تعیین هویت یا هویت‌یابی را می‌سنجد. این دو گویه اخیر دقیقاً "برداشت و تعریف پاسخگو از هویت قومی یا ملی خود" را مشخص می‌سازد.

هویت ملی: بعد گرایشی (۵ گویه)، بعد کسب هویت (یک گویه)، بعد هویت‌یابی (یک گویه)

هویت قومی: بعد گرایشی (۵ گویه)، بعد کسب هویت (یک گویه)، بعد هویت‌یابی (یک گویه)

لازم به یادآوری است که سنجش روایی شاخص‌ها نشان می‌دهد که ضریب آلفا کرونباخ برای هویت قومی و هویت ملی به ترتیب معادل ۰/۸۰ و ۰/۸۶ به دست آمده است، که میزان آن قابل توجه می‌باشد.

۷- یافته‌ها

هویت قومی بر اساس هفت گویه به شرحی که در نگاره شماره (۱) آمده، مورد سنجش قرار گرفته است. گویه‌ها در قالب طیف لیکرت با پنج امکان پاسخ طرح شده‌اند. نمرات طیف بین یک و ۵ قرار دارد؛ عدد یک مبین هویت قومی ضعیف و ۵ نشان‌دهنده هویت قومی قوی است.

102. Multigroup Ethnic Identity Measure
103. Attitudinal
104. Cognitive
105. Behavioral

نگاره شماره (۱) - میانگین نمره پاسخگویان
به تفکیک گویه‌های مربوط به هویت قومی
در میان اقوام ششگانه

ردیف	گویه‌ها	کرد	لر	بلوچ	عرب	آذری	ترکمن	کل
۱	من به فرهنگ قومی (یا فرهنگ محلی) خودم افتخار می‌کنم.	۴/۱	۴/۳	۴/۲	۳/۹	۴/۲	۴/۵	۴/۲
۲	دید مثبتی نسبت به گروه قومی و فرهنگی (یا منطقه محل تولد) خود دارم.	۴/۱	۴/۱	۴	۳/۷	۴/۱	۴/۴	۴/۱
۳	اگر دوباره متولد می‌شدم، دوست داشتم عضو همین فرهنگ یا اهل همین محل (محل تولدم) باشم.	۳/۹	۴/۲	۴/۲	۳/۶	۴/۱	۴/۴	۴
۴	داشتن ارتباط فرهنگی با منطقه محل تولدم در همه دوران زندگی برای من مهم است.	۴	۴/۱	۴	۳/۷	۴/۱	۴/۴	۴/۱
۵	کاملاً احساس می‌کنم که به سرزمین مادری و محل تولدم تعلق دارم.	۴	۴/۵	۴/۱	۳/۶	۴/۳	۴/۳	۴/۲
۶	عضویت من در گروه قومی‌ام، نقش مهمی در زندگی‌ام ایفا می‌کند.	۳/۵	۳/۸	۴	۳/۵	۳/۷	۴/۳	۳/۷
۷	من خودم را یک فرد قومی (یا عضو یک قومیت) می‌دانم.	۳/۷	۴/۲	۴	۳/۹	۳/۸	۴/۲	۳/۹
	میانگین	۳/۷/۸	۳/۹/۵	۳/۸/۸	۳/۶/۹	۳/۸/۶	۳/۱	-

در این نگاره، میانگین نمره هویت قومی پاسخگویان به تفکیک گویه‌ها در میان اقوام شش‌گانه درج شده که نکات مهم آن عبارت است از:

● قوم ترکمن دارای بالاترین نمره هویت قومی است و پس از آن به ترتیب اقوام لر و آذری قرار دارند و در مقابل قوم عرب کمترین نمره هویت قومی را کسب کرده است.

● گویه‌های مربوط به احساس غرور و احساس تعلق قومی، «من به فرهنگ قومی خودم افتخار می‌کنم» و «کاملاً احساس می‌کنم به سرزمین مادری و محل تولدم تعلق دارم»، بیشترین نظر مثبت و گویه مربوط به کسب هویت، «عضویت من در گروه قومی‌ام، نقش مهمی در زندگی‌ام ایفا می‌کند» کمترین نظر مثبت را داشته‌اند.

در مجموع بررسی و مقایسه میانگین گویه‌ها (با توجه به نمرات طیف) بیانگر آن است که سطح هویت قومی در میان اقوام ایرانی بیش از حد متوسط ارزیابی می‌شود. از این رو می‌توان ادعا نمود که هویت قومی در نزد اقوام ایرانی یک هویت اجتماعی

برجسته^{۱۰۶} است. برای بررسی دقیق‌تر این موضوع، به توصیف گویه هفتم می‌پردازیم. نتایج مربوط به این گویه نشان می‌دهد که پاسخگویان تا چه حد خود را یک فرد قومی می‌دانند. نتایج نشان می‌دهد که میانگین هم‌ذات‌پنداری قومی در میان تمام اقوام بیش از حد متوسط است. میانگین کل معادل ۳/۹ به دست آمده است که بر اساس طیف ۱ تا ۵ در حد زیاد ارزیابی می‌شود.

نگاره شماره (۲) توزیع فراوانی پاسخ‌های داده‌شده به این گویه را در میان کل اقوام نشان می‌دهد. نتایج حاکی از آن است که تقریباً ۷۶ درصد از پاسخگویان در حد زیاد یا خیلی زیاد خود را یک فرد قومی می‌دانند، در مقابل ۱۱/۲ درصد چنین تصویری ندارند و همچنین میزان هم‌ذات‌پنداری ۱۱/۵ درصد از پاسخگویان با گروه قومی‌شان در حد متوسط ارزیابی می‌شود.

نگاره شماره (۲) - میزان احساس نزدیکی

به گروه قومی در میان پاسخگویان

طبقات	فراوانی	درصد
خیلی زیاد	۲۵۸	۳۰/۹
زیاد	۳۸۰	۴۵/۶
متوسط	۹۶	۱۱/۵
کم	۷۷	۹/۲
خیلی کم	۱۷	۲
پاسخ نداده	۶	۰/۷
جمع	۸۳۴	۱۰۰

نگاره‌های (۱) و (۲) هر دو الگوی یکسانی از نتایج عرضه می‌کنند، به این معنا که هویت قومی در میان اقوام ایرانی یک هویت اجتماعی برجسته است و این امر با انتظارات تئوری هویت اجتماعی همخوانی دارد.

هویت ملی نیز همانند هویت قومی با هفت گویه به شرحی که در نگاره شماره (۳) آمده، سنجیده شده است که در ادامه به اهم یافته‌ها اشاره می‌شود:

- قوم لر دارای بالاترین نمره هویت ملی است و پس از آن به ترتیب اقوام آذری و بلوچ قرار دارد و در مقابل قوم عرب کمترین نمره هویت ملی را کسب کرده است.

- گویه مربوط به احساس غرور و افتخار ملی، «به ایرانی بودن خود افتخار می‌کنم»، بیشترین نظر مثبت و گویه «از لحاظ فرهنگی مردم ایران یکی از بزرگ‌ترین ملت‌های دنیا هستند» کمترین نظر مثبت را داشته‌اند.

در مجموع بررسی و مقایسه میانگین گویه‌ها نشان می‌دهد که سطح هویت ملی در میان اقوام ایرانی در حد زیاد ارزیابی می‌شود و از این نظر تفاوت چندانی با هویت قومی آنها ندارد.

نگاره شماره (۳) - میانگین نمره
پاسخگویان به تفکیک گویه‌های مربوط به
هویت ملی در میان اقوام شش‌گانه

ردیف	گویه‌ها	کل	بزرگن	آذری	کرمانجی	بلوچ	کرد	کرد
۱	به ایرانی بودن خود افتخار می‌کنم.	۴/۲	۳/۹	۴/۴	۳/۹	۴/۲	۴/۷	۳/۸
۲	از شنیدن سرود رسمی کشورم احساس غرور می‌کنم.	۴/۱	۴/۱	۴/۳	۳/۸	۴/۲	۴/۶	۳/۷
۳	تاریخ ایران پر از افتخار، شکوه و عظمت است.	۴	۳/۹	۴/۱	۳/۵	۴/۱	۴/۵	۳/۶
۴	از اینکه دارای فرهنگ ایرانی هستم به خود می‌بالم.	۴/۱	۳/۹	۴/۳	۳/۹	۴/۳	۴/۷	۳/۸
۵	از لحاظ فرهنگی مردم ایران یکی از بزرگ‌ترین ملت‌های دنیا هستند.	۳/۹	۴	۴/۱	۳/۷	۴/۱	۴/۵	۳/۷
۶	اینکه عضوی از فرهنگ ایرانی باشم، نقش مهمی در زندگی من دارد.	۴	۳/۷	۴/۲	۳/۹	۴	۴/۶	۳/۷
۷	از نظر فرهنگی، چقدر خودتان را ایرانی (عضوی از جامعه ایران) می‌دانید.	۴/۴	۴/۲	۴/۶	۳/۴	۴/۶	۴/۸	۴
۱	میانگین	۳/۸	۳/۳	۳/۱۵	۳/۹۸	۳/۲۷	۳/۶۱	۳/۶۱

معادل ۴/۴ به دست آمده است که بر اساس طیف ۱ تا ۵ در حد زیاد ارزیابی می‌شود.

نگاره شماره (۴)، توزیع فراوانی پاسخ‌های داده‌شده به گویه هفتم را در میان کل اقوام نشان می‌دهد. نتایج حاکی از آن است که تقریباً ۸۴/۹ درصد از پاسخگویان در حد زیاد یا خیلی زیاد خود را ایرانی می‌دانند، در مقابل تنها ۵/۴ درصد چنین اعتقادی ندارند و همچنین ۷/۶ درصد از پاسخگویان فکر می‌کنند تا حدودی ایرانی هستند.

در مجموع مقایسه نتایج مربوط به هویت قومی و هویت ملی نشان می‌دهد که برای بسیاری از پاسخگویان، هویت قومی و ملی دارای اهمیت و ارزش یکسانی است، حتی در میان برخی اقوام اهمیت هویت ملی بیش از هویت قومی است.

نگاره شماره (۴) - میزان هم‌ذات‌پنداری با ملیت در میان اقوام ایرانی

طبقات	فراوانی	درصد
خودم را کاملاً ایرانی می‌دانم.	۵۱۱	۶۱/۳
خودم را ایرانی می‌دانم.	۲۰۶	۲۴/۷
فکر می‌کنم تا حدودی ایرانی هستم.	۶۳	۷/۶
کمتر خودم را به عنوان یک ایرانی تلقی می‌کنم.	۲۷	۳/۲
خود را اصلاً ایرانی نمی‌دانم.	۱۸	۲/۲
بدون پاسخ	۹	۱/۱
جمع	۸۳۴	۱۰۰

برای بررسی دقیق‌تر این موضوع به بررسی گویه هفتم می‌پردازیم. این گویه نشان می‌دهد که پاسخگویان تا چه حد خود را ایرانی می‌دانند. نتایج مربوط به گویه مذکور نشان می‌دهد که میانگین هم‌ذات‌پنداری با ملیت در میان کلیه اقوام ایرانی بیش از حد متوسط است، میانگین کل،

۸- بررسی رابطه هویت قومی با هویت ملی در کل اقوام ایرانی

به منظور بررسی رابطه همبستگی هویت قومی با هویت ملی، متغیر هویت ملی با ترکیب تمام گویه‌های هفتگانه و متغیر هویت ملی نیز با ترکیب تمامی گویه‌های هفتگانه، به‌عنوان دو متغیر جدا از هم - برای هر پاسخگو محاسبه شد. نتایج به دست‌آمده نشان می‌دهد که همبستگی میان دو متغیر هویت قومی و ملی در میان اقوام ایرانی معادل ۰/۳۱ است و در سطح (۰/۰۰۰) معنی‌دار می‌باشد. میزان و جهت رابطه حاکی از این است که میان احساس تعلق قومی و دلبستگی به هویت ملی، رابطه مثبت وجود دارد.

عدم تعارض میان تعلق قومی و دلبستگی به ملیت با نظریه هویت اجتماعی و تئوری دسته‌بندی خود در تضاد است. بر اساس این تئوری‌ها، ما باید انتظار داشته باشیم که برجستگی قومیت، دلبستگی به ملیت را کاهش دهد، حال آنکه نتایج خلاف آن را نشان می‌دهد.

برای توضیح این رابطه ما باید تئوری‌های هویت اجتماعی و دسته‌بندی خود را با مدل درهم بافتگی هویت اجتماعی گسترش دهیم. بر طبق مدل مذکور میزان

هویت قومی به خودی خود موجب تضادهای بین گروهی نمی‌شود و هویت ملی را تضعیف نمی‌کند. بلکه تأکید بر یک هویت یگانه که پیچیدگی و درهم بافتگی دلبستگی‌ها را به یک تمایز محوری «ما و آنها» تقلیل می‌دهد، عامل ایجاد چنین نتایج منفی است. بر این اساس، می‌توان استدلال نمود که نتایج به دست‌آمده نشان می‌دهد رابطه هویت قومی و ملی بر مبنای تمایز گروه خودی و گروه غیر خودی تعریف نمی‌شود، بلکه قومیت و ملیت در نزد اقوام ایرانی از ویژگی‌های تقسیمات متقاطع و پیوندی برخوردارند که در ابعاد مختلف فرهنگی یکدیگر را قطع می‌کنند. لذا در شرایطی که تأثیر سایر متغیرها (برای مثال نقش بیگانگان، نخبگان قومی، سیاست‌گذاران، رسانه‌ها و احساس تبعیض و ...) ثابت نگه داشته شود، رابطه هویت قومی و هویت ملی مثبت خواهد بود. از این رو، وجود رابطه تعارض‌آمیز ذاتی میان هویت قومی و هویت ملی در میان اقوام ایرانی کمتر قابل تصور است. شایان ذکر است که نتایج این تحقیق با یافته‌های چلبی و یوسفی (۱۳۸۰)، یوسفی (۱۳۸۰)، توسلی و قاسمی (۱۳۸۱)، عبداللهی و حسین بر (۱۳۸۱)، حسینعلی میرزایی (۱۳۸۸)، محمد سلگی (۱۳۸۹)، حاجیانی (۱۳۹۱) و

نگاره شماره (۵) - ضرایب همبستگی میان
هویت قومی و هویت ملی در میان اقوام
ایرانی

کرد	لر	بلوچ	عرب	آذری	ترکمن
۰/۱۶۷	۰/۴۳۹	۰/۱۴۴	-۰/۱۷۵	۰/۵۰۴	۰/۰۵۱
۰/۰۶۷	۰/۰۰۰	۰/۳۴۹	۰/۱۳۲	۰/۰۰۰	۰/۷۳۲
۱۲۱	۶۸	۶۶	۷۵	۴۰۰	۴۸

عدم تقارن در رابطه میان هویت قومی و هویت ملی در نزد اقوام به ویژه در مورد قوم عرب این احتمال را مطرح می‌کند که میزان همبستگی هویت قومی و ملی و همچنین جهت رابطه آن به عوامل زمینه‌ای و موقعیتی مبتنی است که شرح آن در این مقاله نمی‌گنجد. آنچه مسلم است اینکه در تعیین میزان همبستگی و جهت آن، عوامل مختلفی دخیل هستند که از جمله می‌توان به محدودیت‌های ساختاری، موقعیت‌های اجتماعی-اقتصادی، گفتمان‌ها و ایدئولوژی‌های مسلط، خصایص و ویژگی‌های عینی، عقاید قالبی و تبعیض اشاره نمود.

۱۰- گروه‌بندی پاسخگویان بر
حسب دو متغیر هویت قومی و
هویت ملی (کل)

در این بخش با تجمع و ترکیب نمرات فردی و با ساختن شاخص‌های هویت قومی و هویت ملی، امکان بررسی رابطه این دو نوع هویت اجتماعی در یک نگاره دو بعدی فراهم

حسینعلی میرزایی (۱۳۸۸) همخوانی دارد. نتایج تحقیقات مذکور نشان داد که احساس هویت قومی نه تنها با احساس هویت ملی منافاتی ندارد (البته در بعد فرهنگی و نه سیاسی)، بلکه مقوم آن نیز هست.

۹- بررسی رابطه هویت قومی با
هویت ملی به تفکیک اقوام
ایرانی

در حالی که رابطه میان هویت قومی کلی و هویت ملی کلی مثبت و معنی‌دار است، اما رابطه مذکور در میان گروه‌های قومی متفاوت است. چنان‌که در نگاره شماره (۵) ملاحظه می‌شود، همبستگی میان احساس تعلق قومی و دلبستگی به ملیت در میان اقوام ایرانی (البته به استثنای قوم عرب) مثبت است. بیشترین میزان همبستگی میان هویت قومی و ملی مربوط به اقوام آذری و لر است و کمترین میزان همبستگی به اقوام ترکمن و بلوچ تعلق دارد. رابطه مثبت منعکس‌کننده نوعی هویت انسجام‌یافته است. فقدان رابطه دال بر عدم همپوشی یا هم‌تغییری میان این دو نوع هویت اجتماعی است و نهایتاً رابطه منفی ممکن است ناشی از روابط و مناسبات اقوام با نهادهای دولت - ملت و جامعه وسیع‌تر باشد.

شده است. بر این اساس شاخص هویت قومی مرکب از هفت گویه می‌باشد که حداقل و حداکثر نمرات به ترتیب معادل ۷ و ۳۵ و دامنه آن معادل ۲۸ است. با توجه به دامنه نمرات بالقوه پاسخگویان، کسانی که نمره‌ای بین (۷-۲۱) کسب کرده‌اند در طبقه هویت قومی ضعیف و کسانی که نمره‌ای بین (۲۱-۳۵) به دست آورده‌اند، در طبقه هویت قومی قوی گروه‌بندی شده‌اند. در مورد شاخص هویت ملی نیز که دارای هفت گویه می‌باشد، همانند هویت قومی، پاسخگویان به دو طبقه هویت ملی ضعیف و هویت ملی قوی گروه‌بندی شده‌اند.

قبل از آنکه به توصیف داده‌ها بپردازیم، باید گفت هدف از طرح طبقه‌بندی تقاطعی، کشف روابط علی یا تحلیل آن نیست. در واقع طبقه‌بندی تقاطعی پاسخگویان بر حسب دو متغیر هویت قومی و هویت ملی را باید بسط طبقه‌بندی آنها بر حسب تک‌تک متغیرهای مذکور به حساب آورد. از این رو آنچه در اینجا برای ما اهمیت دارد، الگوی فراوانی مشترک یا اقلام خانه‌های نگاره (و نه قطر آن) است که با چهار جهت‌گیری فرهنگی و موقعیت هویتی^{۱۰۷} در مدل دو سویه فرهنگ‌پذیری قابل مقایسه است: انسجام، جدایی، همگون‌سازی و حاشیه‌ای.

چنان‌که در نگاره شماره (۶) ملاحظه می‌شود، نتایج نشان می‌دهد بیشتر پاسخگویان (۸۶ درصد) دارای هویت قومی و ملی قوی هستند. این گروه از پاسخگویان هم‌گرایش مثبت به کشور ایران دارند و هم‌نگرش مساعدی در مورد میراث قومی‌شان ابراز کرده‌اند. به عبارت دیگر آنها به ایرانی بودن خود افتخار می‌کنند و بر خود می‌بالند، اما در عین حال قومیت خود را تأیید و تصدیق می‌کنند. در چارچوب مدل دوسویه فرهنگ‌پذیری این گروه از پاسخگویان را می‌توان دارای هویت انسجامی یا ترکیبی تعریف نمود.

نگاره شماره (۶) - گروه بندی پاسخگویان بر حسب دو متغیر هویت قومی و ملی (کل)

جمع	زیاد	کم	هویت ملی / هویت قومی
۴۳ ٪۵/۵	۳۱ ٪۰/۴	۱۲ ٪۱/۵	کم
۷۳۵ ٪۹۴/۵	۶۶۹ ٪۰/۸۶	۶۶ ٪۸/۵	زیاد
۷۷۸ ٪۰/۱۰۰	۷۰۰ ٪۰/۹۰	۷۸ ٪۰/۱۰	جمع

گروه دوم از پاسخگویان (۸/۵ درصد) شامل کسانی هستند که با فرهنگ قومی‌شان بیش از فرهنگ ملی‌شان احساس یگانگی می‌کنند. در واقع برای آنها اهمیت قومیت بیش از ملیت است. این گروه را می‌توان

ملیت بیش از قومیت است. این امر نشان می‌دهد که آنها فرهنگ قومی و ملی را در تعارض با هم نمی‌دانند، بلکه ترکیبی از این دو فرهنگ را به نمایش می‌گذارند.

۱۱- گروه‌بندی پاسخگویان بر حسب دو متغیر هویت قومی و هویت ملی به تفکیک اقوام ایرانی

گروه‌بندی پاسخگویان بر حسب هویت قومی و هویت ملی به تفکیک اقوام ششگانه نشان می‌دهد که هویت غالب در میان همه گروه‌های قومی هویت انسجامی (ترکیبی) است. با این همه سهم این نوع هویت در میان اقوام یکسان نیست. چنان‌که در نگاره شماره (۷) ملاحظه می‌شود، نتایج نشان می‌دهد که بیش از ۹۰ درصد پاسخگویان متعلق به اقوام لر، آذری، بلوچ و ترکمن دارای اهمیت انسجامی هستند. در حالی که این میزان در نزد اقوام کرد و عرب به ترتیب ۷۶ و ۴۵ درصد است. از سوی دیگر سهم سایر موقعیت‌های هویتی (به ویژه هویت جدایی) در میان قوم عرب بیش از سایر اقوام است.

دارای هویت جدایی‌ناמיד. علاوه بر این کسانی هستند (۴ درصد) که دارای هویت ملی قومی هستند، اما کمتر با فرهنگ قومی‌شان احساس یگانگی می‌کنند. در نهایت، آخرین گروه دارای هر دو هویت قومی و ملی ضعیف هستند. دو گروه اخیر که تعدادشان بسیار اندک است، به ترتیب هویت همگون‌شده و حاشیه‌ای را تشکیل می‌دهند. به طور خلاصه نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بر خلاف پیش‌بینی مدل یک‌سویه فرهنگ‌پذیری، چهار شکل تعیین هویت (هم‌ذات‌پنداری) وجود دارد، اما همه آنها از وزن و اهمیت یکسانی برخوردار نیستند. در حالی که موقعیت‌های هویتی همانندسازی و حاشیه‌ای موارد معدودی را تشکیل می‌دهد؛ هویت انسجامی (ترکیبی)، یا تعیین هویت با هر دو گروه قومی و فرهنگ ملی دارای بیشترین فراوانی است.

موقعیت هویتی مذکور بیانگر این واقعیت است که اقوام ایرانی بدون آنکه پیشینه قومی خود را نادیده بگیرند، برای ایرانی بودن خود نیز ارزش و اعتبار خاصی قائل‌اند. برای بسیاری از پاسخگویان درجه اهمیت قومیت و ملیت یکسان است، حتی در میان برخی از اعضای گروه‌های قومی اهمیت

نگاره شماره (۷) - گروه بندی پاسخگویان
بر حسب دو متغیر هویت قومی و ملی به
تفکیک اقوام ششگانه

کرد			
جمع	زیاد	کم	هویت ملی / هویت قومی
۱۲ ٪۹/۹	۹ ٪۷/۴	۳ ٪۲/۵	کم
۱۰۹ ٪۹۰/۱	۹۲ ٪۰/۷۶	۱۷ ٪۰/۱۴	زیاد
۱۲۱ ۱۰۰	۱۰۱ ٪۸۳/۵	۲۰ ٪۱۶/۵	جمع
لر			
جمع	زیاد	کم	هویت ملی / هویت قومی
۲ ٪۲/۹	۲ ٪۲/۹	-	کم
۶۶ ٪۹۷/۱	۶۶ ٪۹۷/۱	-	زیاد
۶۸ ٪۰/۱۰۰	۶۸ ٪۰/۱۰۰	-	جمع
بلوچ			
جمع	زیاد	کم	هویت ملی / هویت قومی
-	-	-	کم
۶۶ ٪۰/۱۰۰	۶۶ ٪۰/۱۰۰	-	زیاد
۶۶ ٪۰/۱۰۰	۶۶ ٪۰/۱۰۰	-	جمع

چنان که در نگاره شماره (۷) ملاحظه می‌شود، تقریباً یک سوم از پاسخگویان متعلق به قوم عرب خود را بیشتر یک فرد قومی می‌دانند. اگرچه آنها تا حدودی ایرانی بودن خود را می‌پذیرند، اما آشکار است که

مؤلفه قومی در میان آنها از نفوذ بیشتری برخوردار است.

در مجموع نتایج مربوط به گروه‌بندی پاسخگویان بر حسب دو متغیر هویت قومی و ملی در کل و به تفکیک اقوام، الگوی یکسانی را نشان می‌دهند، به این معنا که همسو با مدل دو سویه فرهنگ‌پذیری نتایج حاکی از این است که شیوه‌های مختلفی برای تعیین هویت وجود دارد، همچنین تأیید می‌کنند که هویت غالب در میان اقوام ایرانی هویت انسجامی یا ترکیبی است. البته این سؤال که چه عواملی در شکل‌گیری این چهار شکل از تعیین هویت دخیل هستند مطرح می‌شود که پاسخ به آن در چارچوب این مقاله نمی‌گنجد و به انجام تحقیقات مستقلی نیاز است.

فرجام

یافته‌های حاصل از این پژوهش نشان می‌دهد که هویت قومی و هویت ملی، هر دو در میان اقوام ایرانی برجسته و قوی است. برجستگی هویت قومی از یک طرف با مدل یک‌سویه فرهنگ‌پذیری مغایر است که آن را مقوله بی‌اهمیتی فرض می‌کند و از طرف دیگر با انتظارات نظری مدل دوسویه فرهنگ‌پذیری همسو است که بر برجستگی قومیت تأکید می‌کند. بر طبق این مدل،

هویت قومی و هویت ملی به عنوان هویت‌های اجتماعی برجسته در نزد اعضای گروه‌های قومی باقی می‌مانند.

در مورد رابطه میان هویت قومی و هویت ملی نتایج حاکی از آن است که همبستگی میان احساس تعلق به قومیت و احساس دلبستگی به ملیت مثبت و معنی‌دار است. همبستگی مثبت میان تعلق قومی و دلبستگی ملی با نظریه هویت اجتماعی و نظریه دسته‌بندی خود، ناسازگار است. نتایج بیانگر این واقعیت است که این دو نوع هویت اجتماعی بر اساس تمایز گروه خودی- گروه غیر خودی و تمایز «ما و آنها» تعریف نمی‌شود. از این رو برای توضیح این رابطه می‌توان از مدل‌های درهم‌بافتگی هویت اجتماعی و انسجام هویت‌های اجتماعی چندگانه بهره گرفت. بر طبق مدل درهم‌بافتگی هویت اجتماعی، وجود عضویت‌های گروهی چندگانه در میان اعضای گروه‌های قومی موجب می‌شود تا جهان اجتماعی آنها به یک تمایز گروه خودی- گروه غیر خودی یگانه تقلیل نیابد. آنها ممکن است بر مبنای یک بعد عضو مشترک یک گروه خودی باشند، اما بر اساس بعد دیگر به طبقات یا مقوله‌های مختلفی تعلق داشته باشند. از این رو تعلق اعضای گروه‌های

قومی به دو دسته یا مقوله فرهنگی مسئله‌ساز نیست. در واقع آنها می‌توانند هم از هویت قومی قوی و هم از هویت ملی قوی برخوردار باشند.

علاوه بر این مدل انسجام هویت‌های چندگانه به تبیین این مسئله کمک می‌کند که چرا در نزد بسیاری از اعضای گروه‌های قومی احساس دلبستگی به ملیت و احساس نزدیکی و تعلق به قومیت مکمل هم هستند تا اینکه رقیب یکدیگر به حساب آیند. بر طبق این مدل، در مرحله انسجام، هویت‌های اجتماعی چندگانه (برای مثال هویت قومی و ملی) در درون ساختار خود^{۱۰۸} سازمان می‌یابند و به طور همزمان برای تعریف و «پنداشت از خود» کلی^{۱۰۹} اهمیت پیدا می‌کنند. در این مرحله با برقراری ارتباط میان هویت قومی و ملی، «خود» احساس پیوستگی (و نه تضاد) می‌کند. انسجام هویت‌های قومی و ملی در لایه‌های ذهنی و درونی، اعضای گروه‌های قومی را قادر می‌سازد تا شباهت‌های میان خصایص فرهنگ قومی و جامعه وسیع‌تر را که به تعریف «خود» می‌پردازند، درک کنند. از این رو انسجام هویت قومی و ملی، تصویری یکپارچه و منسجم‌تر از «خود» ترسیم

می‌کند که در آن تفاوت‌های فرهنگی مکمل هم در نظر گرفته می‌شود تا آنکه مقابل هم فرض شوند.

همچنین نتایج این واقعیت را آشکار می‌سازند که شیوه‌های مختلفی برای تعیین هویت - (انسجام، همگون‌سازی، جدایی و حاشیه‌ای) وجود دارد. با این همه هویت غالب در میان اکثر پاسخگویان هویت انسجامی یا ترکیبی است (این نتایج با مدل دوسویه فرهنگ‌پذیری همخوانی دارد). به طوری که اکثر پاسخگویان هم خود را ایرانی تعریف می‌کنند و هم عضوی از گروه قومی متمایز می‌دانند. این امر سازگاری هویت قومی و ملی را در نزد اقوام ایرانی مشخص می‌سازد. شایان ذکر است که اصطلاح هویت انسجامی تنها به معنای جمع دو عضویت گروهی (قومیت و ملیت) یا تقارن آنها نیست. بلکه این شیوه تعیین هویت (هم‌ذات پنداری) حاکی از وجود پیکربندی یگانه‌ای از علائق فرهنگی و هویتی است که از تجارب خاص گروه‌های قومی در بافت اجتماعی و فرهنگی ایران ناشی می‌شود. از این رو می‌توان کشور ایران را که به لحاظ تاریخی چند قومیتی است، از کشورهایی که به دلیل ورود مهاجران در دوران اخیر به جوامع چند قومیتی تبدیل شده‌اند، متمایز دانست.

در حالی که وجود هویت ترکیبی و برخورداری اقوام ایرانی از هر دو نوع هویت اجتماعی - قومی و ملی - محرز و قابل مشاهده است، اما سهم این نوع هویت در میان اقوام یکسان نیست. این وضعیت در مورد برجستگی هویت قومی و ملی و همچنین رابطه آنها با یکدیگر نیز صادق است.

نتایج تحقیق نشان می‌دهد که بیش از ۹۰ درصد پاسخگویان متعلق به اقوام لر، آذری، بلوچ و ترکمن دارای هویت انسجامی هستند، اما این میزان در نزد اقوام کرد و عرب به ترتیب ۷۶ درصد و ۴۵ درصد است. اگرچه رابطه میان هویت قومی و هویت ملی در کل مثبت و معنی‌دار است، اما میزان جهت رابطه آن بر اساس نوع قومیت متفاوت می‌باشد. عدم تقارن در رابطه میان این دو نوع هویت اجتماعی در نزد اقوام به ویژه در مورد قوم عرب این احتمال را مطرح می‌کند که میزان همبستگی و جهت آن به عوامل تاریخی، زمینه‌ای و موقعیتی وابسته است.

وجود تفاوت‌ها در میان گروه‌های قومی بر این نکته دلالت دارد که اگرچه هویت قومی و ملی به لحاظ نظری تغییراتشان مستقل از هم فرض می‌شود. اما به لحاظ تجربی رابطه و مناسبات میان این دو نوع

۶. حاجیانی، ابراهیم (پاییز و زمستان ۱۳۸۷)، نسبت هویت ملی با هویت قومی در میان اقوام ایرانی، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره نهم شماره ۳ و ۴.

۷. حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۸)، *جامعه‌شناسی هویت ایرانی*، تهران، انتشارات پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، چاپ اول.

در مجموع نتایج تحقیق نشان می‌دهد که رابطه میان هویت قومی و ملی پیچیده‌تر از آن است که یک تئوری بتواند آن را توضیح دهد. آنچه مسلم به نظر می‌رسد، این است که ترکیب تئوری‌ها (تئوری‌های هویت اجتماعی، فرهنگ‌پذیری، درهم‌بافتگی اجتماعی و انسجام هویت‌های چند گانه) تبیین کامل‌تری از این رابطه ارائه می‌کنند.

منابع فارسی

۱. ابوالحسنی، سیدرحیم (۱۳۸۸)، *تعیین و سنجش مؤلفه‌های هویت ایرانی*، پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، چاپ اول.
۲. احمدی، حمید (۱۳۸۷)، *قومیت و قوم‌گرایی در ایران: افسانه و واقعیت*، تهران، نشر نی، چاپ هفتم.
۳. برتون، رولان (۱۳۸۴)، *قوم‌شناسی سیاسی*، ترجمه ناصر فکوهی، تهران، نشر نی، چاپ دوم.
۴. توسلی، غلامعباس و یارمحمد قاسمی (۱۳۸۱)، مناسبات قومی و رابطه آن با تحول هویت جمعی، *مجله انجمن جامعه‌شناسی ایران*، شماره ۴.
۵. چلبی، مسعود و علی یوسفی (۱۳۸۰)، روابط بین قومی و تأثیر آن بر هویت اقوام در ایران، *فصلنامه مطالعات ملی*، شماره ۸.
۶. حاجیانی، ابراهیم (پاییز و زمستان ۱۳۸۷)، نسبت هویت ملی با هویت قومی در میان اقوام ایرانی، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، دوره نهم شماره ۳ و ۴.
۷. حاجیانی، ابراهیم (۱۳۸۸)، *جامعه‌شناسی هویت ایرانی*، تهران، انتشارات پژوهشکده تحقیقات استراتژیک، چاپ اول.
۸. حاجیانی، ابراهیم (۱۳۹۱)، *سنجش هویت‌های ملی، قومی و انقلابی در ایران*، گزارش طرح ملی به سفارش کمیسیون نظارت دبیرخانه مجمع تشخیص مصلحت نظام - منتشر نشده.
۹. دان، رابرت جی (۱۳۸۵)، *نقد اجتماعی پست مدرنیته: بحران‌های هویت*، ترجمه صالح نجفی، تهران، انتشارات پردیس دانش و شیرازه، چاپ اول.
۱۰. سلگی، محمد (۱۳۸۹)، *سنجش هویت ملی و قومی در بین دانشجویان دانشگاه‌های دولتی*، رساله دکتری روان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی.
۱۱. سین، آمارتیا (۱۳۸۸)، *هویت و خشونت: توهم تقدیر*، ترجمه فریدون مجلسی، تهران، انتشارات آشیان، چاپ اول.
۱۲. فکوهی، ناصر (۱۳۸۹)، *توسعه نظام آموزش عالی و تنوع هویت‌های قومی - ملی. در همسازي و تعارض در هویت و قومیت*، ناصر فکوهی، چاپ اول، تهران، نشر گل‌آذین.
۱۳. فیتزپتریک، تونی (۱۳۸۱)، *نظریه رفاه: سیاست اجتماعی چیست؟* ترجمه هرمز همایون پور، مؤسسه عالی پژوهش تأمین اجتماعی، چاپ اول.
۱۴. قاسمی، علی اصغر (۱۳۸۹)، *نسبت سنجی هویت و وحدت ملی در ایران*، تهران، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی، چاپ اول.
۱۵. گل محمدی، احمد (۱۳۸۹)، *جهانی‌شدن، فرهنگ، هویت، تهران*، نشر نی، چاپ چهارم.

۱۶. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷)، *جهان رهاشده: گفتارهایی درباره یکپارچگی جهانی*، ترجمه علی اصغر سعیدی و یوسف حاجی عبدالوهاب، تهران، انتشارات علم و ادب، چاپ دوم.
۱۷. مالشویچ، سینیشا (۱۳۹۰)، *جامعه‌شناسی قومیت*، ترجمه پرویز دلیرپور، تهران، انتشارات آمه، چاپ اول.
۱۸. میلر، دیوید (۱۳۸۳)، *ملیت*، ترجمه داود غرایاق زندی، انتشارات تمدن ایرانی، چاپ اول، تهران.
۱۹. میرزایی، حسینعلی (۱۳۸۸)، *روابط بین هویت ملی و هویت قومی در بین دانشجویان دانشگاه‌های دولتی ایران*، رساله دکتری جامعه‌شناسی دانشگاه اصفهان
۲۰. هانتینگتون، ساموئل (۱۳۸۴)، *چالش‌های هویت در آمریکا*، ترجمه محمودرضا گلشن‌پژوه، حسن سعید کلاهی خیابان و عباس کردان، انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، چاپ اول، تهران.
۲۱. هیوود، اندرو (۱۳۸۹)، *سیاست*، ترجمه عبدالرحمن عالم، تهران، نشر نی، چاپ اول.
۲۲. یوسفی، علی (تابستان ۱۳۸۰)، روابط بین قومی و تأثیر آن بر هویت اقوام در ایران، *فصلنامه مطالعات ملی*، شماره ۸.
24. Benet – Martinez, Veronica and Haritatos (2005), Bicultural Identity Integration (BII): Components and Psychosocial . Antecedents, *Journal of Personality*, Vol. 73, No. 4.
25. Branch, Curtis W., Priti Tayal and Caral Triplett (2000), the Relationship of Ethnic Identity and Ago Identity Status among Adolescents and Young Adults, *International Journal of Intercultural Relations*, Vol. 24.
26. Brewer, Marilynn B. (2010), “Social Identity Complexity and Acceptance of Diversity”. In Richard Crisp, (ed.) *The Psychology of Social and Cultural Diversity*, Blackwell Publishing Limited.
27. Citrin, Jack and David O. Sears (2009), Balancing National and Ethnic Identities, in Rawi Abdelal, Yoshiko M. Herrera, Alastair Iain Johnston and Rose Mcdermott(eds), *Measuring Identity*, Cambridge University Press.
28. Cokley, Kevin O. (2005), Racial(izd) Identity, Ethnic Identity and Afrocentric Values: Conceptual and Methodological Challenges in Understanding African American Identity, *Journal of Counseling Psychology*, Vol. 52. No.4.
29. Constant, Amelie F., Liliya Gataullina and Klaus F. Zimmermann (2009), Ethnosizing Immigrants, *Journal of Economic Behavior and Organization*, Vol. 69.
23. Amiot, Catherine E. and Roxane de la Sablonniere (2010), “Facilitating the Development and Integration of Multiple Social Identities”. In Richard Crisp, (ed.) *The Psychology of Social and Cultural Diversity*, Blackwell Publishing Limited.

منابع لاتین

- Richard Crisp(ed.) *The Psychology of Social and Cultural Diversity*, Blackwell Publishing Limited.
36. Padilla, Amado M. and William Perez (2003), Acculturation, Social Identity and Social Cognition: A New Perspective, *Hispanic Journal of Behavioral Sciences*, Vol. 25, No. 1.
37. Phinney, Jean S. (1990), Ethnic Identity in Adolescents and Adults: Review of Research, *Psychological Bulletin*, Vol. 108, No. 3.
38. Phinney, Jean S. (1992), The Multigroup Ethnic Identity Measure: A New Scale for Use with Diverse Groups, *Journal of Adolescent Research*, Vol. 7, No.2.
39. Phinney, Jean S. (2005), Ethnic Identity in Late Modern Times: A Response to Rattansi and Phoenix, Identity, *International Journal of Theory and Research*, Vol. 5, No. 2.
40. Phinney, Jean S. and Mona Devich - Navarro(1997), Variations in Bicultural Identification among African American and Mexican American Adolescents, *Journal of Research on Adolescence*, Vol 7. No. 1.
41. Roberts, Robert E., Jean S. Phinney, Louise C. Masse, Y. Richard Chen, Catherine R. Roberts and Andrea Romero(1999), The Structure of Ethnic Identity of Young Adolescents from Diverse Ethnocultural Groups, *Journal of Early Adolescence*, Vol. 19, No. 3.
30. Crisp, Richard J. and Miles Hewstone (2006), "Multiple Social Categorization: Context, Process and Social Consequences". In Richard J. Crisp and Miles Hewstone(ed.) *Multiple Social Categorization: Processes, Models and Applications*, Psychology Press.
31. Dimitrova, Radosveta, Michael Bender, Athanasios chasiotis and Fons J. R. Van de Vijver (2012), Ethnic Identity and Acculturation of Turkish-Bulgarian Adolescents, *International Journal of Intercultural Relations*, Article in Press.
32. French, Sabine Elizabeth, Edward Seidman, Larue Allen and J. Lawrence Aber (2006), the Development of Ethnic Identity During Adolescence, *Developmental Psychology*, Vol. 42, No. 1.
33. Gong, Li (2007), Ethnic Identity and Identification with the Majority Group: Relations with National Identity and Self-Esteem, *International Journal*, Vol. 31.
34. Hewstone, Miles, Rhiannon N. Turner, Jared B. Kenworthy and Richard J. Crisp (2006), "Multiple Social Categorization: Integrative themes and Future Research Priorities". In Richard J. Crisp and Miles Hewstone(ed.) *Multiple Social Categorization: Processes, Models and Applications*, Psychology Press.
35. Nguyen, Angela-Minhtu D. and Veronica Benet - Martinez (2010), Multicultural Identity: What It Is and Why It Matters. In

48. Umana-Taylor, Adriana J. (2004), Ethnic Identity and Self- Esteem: Examining the Role of Social Context, *Journal of Adolescence*, Vol. 27.
49. Verkuyten, Maykel (2005), *The Social Psychology of Ethnic Identity*, Psychology Press, Hove and NewYork.
50. Verkuyten, Maykel (2010), Assimilation Ideology and Situational Well-Being among Ethnic Minority Members, *Journal of Experimental Social Psychology*, Vol. 46.
51. Weisskirch, Robert S. (2005), Ethnicity and Perceptions of Being a Typical American in Relationship to Ethnic Identity Development, *International Journal of Intercultural Relations*, Vol. 29.
52. Xu, Jing, Soyeon Shim, Sherry Lotz and David Almeida (2004), Ethnic Identity, Socialization Factors and Culture-Specific Consumption Behavior, *Psychology and Marketing*, Vol. 21, No. 2
42. Sabatier, Colette (2008), Ethnic and National Identity among Second-Generation Immigrant Adolescents in France: the Role of Social Context and Family, *Journal of Adolescence*, Vol. 31.
43. Safdar, Saba, Stryker Calvez, and J. Rees lewis (2012), Multi-group Analysis of the MiDA Model: Acculturation of Indian and Russian Immigrants to Canada, *International Journal of Intercultural Relations*, Vol. 36.
44. Sidanius, Jim and John R. Petrocik (2001), Communal and National Identity in a Multiethnic State. In Richard D. Ashmore, Lee Jussim and David Wilder (eds.) *Social Identity, Intergroup Conflict, and Conflict Reduction*, Oxford University Press.
45. Tajfel, Henri and John C. Turner (2007), The Social Identity Theory of Intergroup Behavior. In Diederik A. Stapel and Hart Blanton(ed.) *Social Comparison Theories*, Psychology Press.
46. Tammeveski, Peeter (2003), The Making of National Identity among Older Estonians in the United States, *Journal of Aging Studies*, Vol. 17.
47. Ting-Toomey, Stella, K. K. Yee-Jung, R. B. Shapiro, Wintilo Garcia, Trina J. Wright and John G. Oetzel (2000), Ethnic/Cultural Identity Saliency and Conflict Styles in Four US Ethnic Groups, *International Journal of Intercultural Relations*, Vol. 24.